



## بررسی تحولات خوجه اسماعیلی و خوجه اثنی عشری با تکیه بر خوجه های هند

وحید نجفی<sup>۱</sup> - حدیث گودرزی<sup>۲</sup>

### چکیده

در دورانی که خوجه در شرق ایران و در فرقه اسماعیلیه زندگی می کردند طبق تمامی شریعت اسماعیلیان به سر می بردند. اما آنچه که در زندگی دینی آنان تأثیر گذارد، تحولات سیاسی بود که با درگیری و نزاع نیز همراه بود و سبب شد تا گروهی از آنان به هند مهاجرت کنند و در نتیجه به فرقه اثنی عشری گرایش یابند البته این تحول در تاریخ معاصر شکل گرفت و آنچه که در تاریخ خوجه ها دیده می شود حضور آنان در بین فرقه اسماعیلیه است. با توجه به پیشینه ذکر شده در مقدمه ما در این پژوهش به دنبال این امر هستیم که تحولات خوجه ها از دوران پس از تشکیل اسماعیلیه تا تحولات آنان در دوران معاصر به چه شکل بوده است؟ برای پاسخ به این سؤال می توان فرضیه مهاجرت ها و نزاع هایی که در بین فرقه اسماعیلیه و اثنی عشری صورت گرفته است اشاره کرد. هر آنچه که در بین خوجه رخ داده است به نظر بسیار دقیق و قابل درک است، زیرا آنان پس دورانی که خود را به فرقه اثنی عشری نزدیک کردند کم کم به سمت مکتب و فدراسیون هایی رفتند تا بتوانند تحکیم خود را ابراز کنند. حتی از گرایش به سوی رجال مهم نظیر بلال مسلم میشن و سازمان او سخن گفت که در جهت رشد آنان بسیار مؤثر بود.

واژه های کلیدی: خوجه ها، اسماعیلیه، اثنی عشری، هند، آقاخان، بلال مسلم میشن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

۲. کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه خوارزمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۸

آنچه که در این تحقیق مورد بررسی است یکی از فرق تشیع است که در طی سالهای مختلف دستخوش تحولات گسترده شده و به نوعی در آیین خود نیز تحولاتی را داشته است. خوجه ها که جزیی از اسماعیلیان محسوب می‌شوند در طول تاریخ در حال تغییر مکان بودند و در همین امر در گرایش آنان از اسماعیلیه به اثنی عشری مؤثر بود. در کتب و منابعی که درباره این گروه مذهبی مطالبی ذکر شده مقطعی بوده و از تداومان در دوران بعد سخنی به میان نیامده است. جان نورمن ولیستر در کتاب خود به نام "تشیع در هند" تنها به دورانی پرداخته است که خوجه ها به اثنی عشری گرایش دارند و از پیشینه آنان نیز حرفی نمی‌زند. سیدحسین اظهري لمراسکی و ایمان اوانی بهرام در مقاله خود به نام "نگرشی بر جایگاه بهره ها و خوجه ها در هند" چاپ تاریخنامه خوارزمی به تنها به دوران ابتدایی خوجه ها در فرق اسماعیلیه می‌پردازد. در این پژوهش به سیر تحولات خوجه ها از دوران اسماعیلیه تا دوران اثنی عشری می‌باشد. همچنین آنچه که در مورد آداب و رسوم و عقاید آنان است بررسی می‌گردد. از رجال مهم در بین خوجه ها نیز سخن به میان می‌آید.

### ورود اسماعیلیان به هند

در مورد آمدن اسماعیلیان در قرون سوم و چهارم هجری به شبه قاره هند که در راستای پناه جستن ایشان از تعقیب و آزار خلفا بوده است. قدرت گیری اسماعیلیان، صرفاً به دلیل کثرت شمار مهاجران نبوده، بلکه بسیاری از هندوهای تازه مسلمان شده نیز به این کیش درآمدند، آنان می‌پنداشتند که اسلام تبلیغ شده از سوی حکام مهاجم، عنصری بیگانه با فرهنگ نیاکان آنان است، عناصری از تعلیم اسماعیلیه را با فرهنگ هندویی نزدیک تر یافتند و به این کیش تمایل یافتند. البته با حمله‌ی سلطان محمود غزنوی در اواخر قرن چهارم هجری به هند، اوضاع شیعیان اسماعیلی یا قرامطه سخت شد. (شیخ عطار، ۱۳۸۱: ۲۲۳) سلطان محمود، حکومت مولتان را که در فاصله نسبتاً کمی از خود قرار داشت، نتوانست تحمل کند و به آنان حمله برد ولی با توجه به نفوذ این عقیده در بین مردم، فقط به گرفتن خراج از آن ها بسنده کرد. اما اسماعیلیان پس از دو سال مجدداً قیام کردند و این بار سلطان محمود به بهانه‌ی رفع فساد عقیدتی و نشان دادن ضربت به اسماعیلیان به شدت آن‌ها را سرکوب کرد. (دفتری، ۲۵۰: ۱۳۸۷)

در قرن ششم، غوریان با حمله به سند، حکومت اسماعیلی یا قرمطی (سومره) را برانداختند. اما اسماعیلیان هند در قرن هفتم و در زمان حکومت (ایلتمش) در دهلی شورش کردند و به جان وی سوء قصد نمودند که ناموفق ماند و به دست وی سرکوب شدند. قدرت گرفتن اسماعیلیه در هند، در ابتدا به دلیل عملیات نظامی نبوده، بلکه سیر درونی در عبادات و نقش پیر و داعی که مشابه نقش رهبران هندو بود، عامل گسترش این تعالیم در بین هندوان بود. علی رغم سرنگونی حکومت اسماعیلیان در بخشی از سرزمین هند، یعنی مولتان به دست غزنویان و غوریان، اما از دامنه‌ی فعالیت‌های تبلیغی در هند، کاسته نشد. مبلغین این فرقه، عموماً از ناحیه یمن و ایران به هند می‌آمدند. اسماعیلیانی که از یمن به هند آمدند، اعزامی از سوی فاطمیان بودند و اعقاب ایشان بهره‌هایی امروزی هند هستند. (عزیز احمد، ۱۳۶۶: ۳۳) اما اسماعیلیانی که از ایران می‌آمدند، اسماعیلیان نزاری و وابسته به تشکیلات حسن صباح و الموت بودند که اعقاب ایشان امروزه (خوجه)



خوانده می‌شوند. مهاجرت نزاریان به هند از قرن سیزدهم میلادی آغاز گشت و به ویژه از قرن شانزدهم تا نوزدهم میلادی شدت یافت. رئیس ایشان که مقام خود را عادتاً به ارث، صاحب می‌شود، لقب آقاخان دارد و در نزدیکی شهر بمبئی زندگی می‌کند. (دفتری، ۱۳۷۸: ۹) آقاخان اول در سال ۱۸۳۸ م از ایران به هندوستان مهاجرت کرد. دودمان آقاخان‌ها از اعقاب کیا بزرگ امید شمرده می‌شوند. در هندوستان، (گجرات) بیش از ۱۵۰ هزار نفر (مستعلیه) اقامت دارند. ایشان را در آنجا (بهارا) یعنی بازرگان می‌نامند. این واژه از کلمه‌ی (VOHORU) که در زبان گجراتی به معنی تجارت است، گرفته شده است. (پطروشفسکی، ۱۳۵۴: ۳۱۹)

### برخی از اصول و عقاید مذهب اسماعیلیه

یکی از اصول اساسی اسماعیلیه در باب امامت، این است که می‌گویند: "امامت با نص از پدر به پسر می‌رسد نه به کسی دیگر از خانواده مانند برادر، عمو و غیره." این اصل سبب انشعاب آن‌ها از شیعیان اثنی عشری بود و آن زمانی بود که امام صادق نص بر امامت فرزندش حضرت موسی کاظم کرد. (فرمانیان، ۱۳۸۹: ۱۲۹) اسماعیلیان تسلیم این امر نشدند و گفتند: امامت از برادر به برادر قابل انتقال نیست و معتقد شدند پس از مرگ اسماعیل، امامت در فرزند وی، محمد بن اسماعیل مستقر است. (تارم، ۱۳۸۱: ۱۱۸) در عالم دین همانند عالم جسمانی هم ظاهر و هم باطن در میان است و مقصود شارع، بواطن احکام است نه ظواهر آن. در تأویل آیات و احادیث و احکام شرعی، بیشتر استدلالات آنان مبتنی بر حروف و شماره‌ی آن و معانی رمزی آن‌ها است. (هاجسن، ۱۳۴۳: ۱۸) اسماعیلیان به بهشت و دوزخ جسمانی قائل نیستند، آن‌ها هم چنین به معاد و بعث و نشور جسمانی هم اعتقاد ندارند. در میان اسماعیلیان مانند اهل سنت، اصولاً اعطای آزادی تام و تمام اندیشه مطرح نبود. (دفتری، ۱۳۷۸: ۵۰)

### پیشینه خوجه‌های اثنی عشری

تاریخ پیدایش این جماعت، به حدود شش قرن پیش باز می‌گردد. در اواسط سده ۱۴۰۰ میلادی، بر اساس آموزش‌های یک گروه از مبلغان اسماعیلی ایرانی اعزام شده به هند به سرپرستی پیرصدرالدین، برخی از هندوان و مسلمانان بدین باور اعتقاد یافتند که خداوند در جهان حلول کرده و هر چیزی دارای ذات الهی است. این باور به تدریج شکل آیینی خاصی به خود گرفت و توسط پیرصدرالدین «آیین صراط مستقیم» نامیده شد. این باور جدید، از نظر اعتقادی بر حلول مبتنی بود؛ بدین معنا که خداوند چند بار به صورت برخی از انسان‌ها مجسم شده است (آن گونه که عقیده هندوان است)؛ اما آن‌ها بر این عقیده هندویی که معتقد است ویشنو خدای هندوان نُه بار حلول و تجلی انسانی داشته است، نام علی را به عنوان دهمین فرد افزودند. پیروان این عقیده، رفته‌رفته به نام «خواجه» شناخته شدند و پیرصدرالدین نیز آن‌ها را به این عنوان نامید. لغت «خوجه» کنونی، در واقع همان تغییر یافته لقب «خواجه» فارسی، به معنای بزرگ و سرور است. (هولستر، ۱۳۷۳: ۳۹۸)



این عقیده در میان جماعت خوچه همچنان به حیات خود ادامه داد تا اینکه در سال ۱۸۳۹ م آقاخان محلاتی، نخستین امام این فرقه که در شورش برابر فتحعلی شاه قاجار شکست خورده بود به بمبئی گریخت و کوشید این خوچه ها را تحت کنترل خود درآورد. (Rizvi & king, 1374: 52) وی در این امر تا حدودی توفیق یافت و عقاید آنان را از آنچه بر آن بودند، به باورهای شیعه اسماعیلی تغییر داد و آن‌ها را که در مناطق مختلف شبه قاره هند زندگی می‌کردند، تشویق کرد تا نماز بخوانند، روزه بگیرند و به حج و زیارت اهل بیت و ائمه اطهار مشرف شوند و در عین حال، آنان را موظف به پرداخت مقرری به جماعت‌خانه های اسماعیلی کرد. از آن زمان، این خوچه ها به طور کامل به مذهب اسماعیلیه روی آوردند و جماعت‌خانه هایی نیز برای خود تأسیس کردند که بزرگ‌ترین آن‌ها در بمبئی قرار داشت. (samachar, 2002: 21)

نظارت سخت‌گیرانه آقاخان اول بر این نواسماعیلیان، سرانجام موجب جدایی برخی از اعضای این جماعت از آقاخان‌ها شد که در رأس آن‌ها، یکی از بزرگان این قوم به نام حبیب ابراهیم بود. وی به همراه گروهی از خوچه ها، از فرامین تحکم آمیز آقاخان مبنی بر تعلق تمام دارایی آنان به آقاخان سربر تافتند و تحت تأثیر چند عالم سنی مذهب که اشکالاتی اساسی بر آقاخان مطرح کرده بودند، به اهل سنت پیوستند. (Jaffer, 1989: 11)

پس از جدایی حبیب ابراهیم، گروه دیگری از خوچه ها نیز از جماعت آقاخان جدا شدند و به تدریج درگیری‌های پنهان در درون جماعت خوچه ها صورت علنی و آشکار یافت. این در حالی بود که آن‌ها اعمال مذهبی خود را نیز به کناری نهادند و نه تنها نماز نمی‌خواندند، بلکه به عبادات دیگر نیز توجهی نداشتند. (samachar 2006: 18)

در اوایل دهه ۱۸۷۰ م گروهی از این خوچه ها که در زمرة مخالفان آقاخان به‌شمار می‌رفتند، به قصد زیارت رهسپار کربلا شدند و در نجف به دیدار یکی از مجتهدان بزرگ آن زمان، شیخ‌زین العابدین مازندرانی رفتند و چون خود را شیعه معرفی کردند، توجه شیخ را جلب نمودند؛ اما هنگامی که آیت‌الله مازندرانی از احکام و اعمال مذهبی آن‌ها پرسید، اظهار داشتند که نماز نمی‌خوانند، روزه نمی‌گیرند و عبادات دیگر را نیز به‌جای نمی‌آورند. (Rizvi & king, 1974: 52)

همچنین در پاسخ به پرسش مجتهد بزرگ نجف درباره تشریف آن‌ها به حج نیز گفتند که زیارت ائمه اطهار را بر سفر حج مقدم می‌شمارند. در پی این امر که موجبات نارضایتی آیت‌الله زین العابدین مازندرانی و دیگر علمای بزرگ نجف را فراهم آورد، آنان از شیخ درخواست کردند تا یکی از روحانیون را برای ارتقای معلومات مذهبی آن‌ها به هند اعزام کند. (هدائی، ۱۳۷۳: ۲) آیت‌الله مازندرانی درخواست آن‌ها را اجابت کرد و یکی از شاگردان فاضل خود به نام «ملاقادر حسین» را که هندی بود، به بمبئی اعزام نمود.

ملاقادر حسین پس از استقرار در بمبئی، فعالیت‌های تبلیغی خود را در منزل یکی از خوچه‌ها آغاز کرد. این فعالیت‌ها شامل برپایی نمازهای جماعت و ارائه مباحث آموزشی اخلاقی پس از نماز جماعت و پاسخ به پرسش‌های دینی نمازگزاران بود. به تدریج تعداد شرکت‌کنندگان در مجالس ملاقادر افزایش یافت؛ به گونه‌ای که در شب‌های جمعه بالغ بر یکصد نفر در محفل درس ملاً حضور می‌یافتند. (Jaffer, 1989: 11) وی در این جلسات تعالیم اسلامی را بر اساس اصول عقاید شیعه اثنی عشر به پیروان خود آموخت و موجب شد که گروه اندکی از آقاخان‌ها در زمرة یاران ثابت وی



درآیند و رسماً مذهب اثنی‌عشری را بپذیرند. در پی این امر، جماعت خوجه‌ها به دو گروه اکثریت «پیروان آقاخان» و اقلیت «اثنی‌عشری» تبدیل شدند و درگیری‌های مذهبی بین آنان که از مدتی قبل آغاز شده بود، شدت گرفت. (روغنی، ۱۳۸۷: ۱۳۲) پس از خودداری گروه اقلیت از اطاعت دستور آقاخان و ادامه ارتباط با ملاقادر، آن‌ها در همه امور، اعم از تجارت، روابط اجتماعی، ازدواج و... تحریم شدند. این در حالی بود که شیعیان خوجه اثنی‌عشری با وجود وحشت و هراس از توطئه‌های خوجه‌های آقاخانی که به قتل چند نفر از آن‌ها انجامید، همچنان مراسم مذهبی خود را تحت هدایت ملاقادر به صورت مخفیانه ادامه می‌دادند. (عرب‌احمدی، ۱۳۸۹: ۱۹)

در اواخر دهه ۱۸۸۰ م روحانی دیگری به نام شیخ ابوالقاسم نجفی با هدف توسعه مذهب تشیع اثنی‌عشری از ایران رهسپار هند شد و در بمبئی اقامت گزید. وی در این شهر با کمک برخی از بازرگانان سرشناس ایرانی که با خوجه‌های اثنی‌عشری ارتباط داشتند برای نخستین بار نماز جمعه را که تا پیش از آن هرگز در بمبئی اقامه نشده بود برگزار کرد. شیخ ابوالقاسم نجفی سپس به تبلیغ تشیع در بین خوجه‌های آقاخانی پرداخت و این در حالی بود که شیعیان خوجه اثنی‌عشری بمبئی فاقد هرگونه مسجد یا سالنی برای انجام مراسم عبادی خود بودند. (Engineer, 1990: 249)

شیعیان خوجه اثنی‌عشری در سال ۱۸۹۹ م رسماً جماعت خود را در بمبئی تأسیس کردند. در پی این امر، آقاخان و یارانش کوشیدند از طریق افزایش محیط رعب و وحشت و حملات فیزیکی به این افراد، آن‌ها را به انحلال این جماعت وادارند. با این حال، شیعیان خوجه اثنی‌عشری تحت رهبری ملاقادر و شیخ ابوالقاسم نجفی در برابر این فشارها و توطئه‌ها پایداری کردند و به تدریج تعداد جماعت آن‌ها به میزان قابل توجهی افزایش یافت. این در حالی بود که آقاخانی‌ها، با اعمال تحریم سعی داشتند این نوشیعیان را از نظر اقتصادی در تنگناهای سختی قرار دهند.

با تداوم این تحریم‌ها و پایداری خوجه‌های اثنی‌عشری بر عقاید خود، به تدریج گروهی از آنان تصمیم گرفتند به محلی جدید مهاجرت کنند. در آن زمان، شرق آفریقا مکان مناسبی برای استقرار شیعیان خوجه اثنی‌عشری به شمار می‌رفت. این منطقه به دلیل سفرهای منظم دریایی هندی‌ها به آنجا، تا حدودی برای ایشان شناخته شده بود. از این رو، تعدادی از خوجه‌های اثنی‌عشری از آخرین سال‌های سده ۱۸۰۰ م به تدریج به این منطقه مهاجرت کردند و در جزیره زنگبار سکونت یافتند. (Rizvi, 1994: 66) تعداد این مهاجران در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ م بسیار افزایش یافت و هزاران نفر از شیعیان خوجه اثنی‌عشری در زنگبار مستقر شدند و از طریق این جزیره به دیگر مناطق شرق آفریقا، از جمله تانزانیا، کنیا و اوگاندا راه یافتند و جماعتی را در این کشورها تأسیس کردند.

پس از استقلال پاکستان، گروه دیگری از شیعیان خوجه اثنی‌عشری از ایالات کچ و گجرات به پاکستان مهاجرت کردند و اقلیت‌هایی را در شهرهای کراچی و حیدرآباد تشکیل دادند. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ م نیز تعدادی از خوجه‌های اثنی‌عشری مقیم شرق آفریقا در آرزوی زندگی بهتر و با هدف ادامه تحصیل فرزندان خود، رهسپار کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی شدند. (عرب‌احمدی، ۱۳۸۹: ۲۲) این اقلیت کوچک، هرچند در حال حاضر جمعیت بسیار اندکی را در برابر دیگر شیعیان جهان تشکیل می‌دهند، اما به دلیل نظم و انسجام داخلی و تلاش خستگی ناپذیر، به یکی از

موفق‌ترین گروه‌های شیعی تبدیل شده‌اند، به‌گونه‌ای که تا حد امکان کمک‌های قابل توجهی را در اختیار دیگر شیعیان در کشورهای مختلف قرار می‌دهند و هنگام بروز برخی مصائب و مشکلات نیز به یاری آن‌ها می‌شتابند.

### شیعیان خوجه اثنا عشری

در میان گروه‌ها و اقلیت‌های اسلامی شیعی موجود در جهان اسلام، گروهی از شیعیان پیرو علی بن ابی طالب موسوم به «خوجه‌های اثنا عشری» در بسیاری از کشورهای جهان، به ویژه در آفریقای شرقی و تانزانیا، زندگی می‌کنند که اصالتاً هندی الاصل و اهل ایالت گجرات و منطقه کچ هندوستان هستند. این مجموعه شیعیه اصول و موازین مذهبی بسیار پایبند است و از دو طریق به این پایبندی استحکام می‌بخشد: اول گردن نهادن به دستورهای مراجع تقلید خود و دیگری اطاعت از رهبران سیاسی که تحت عنوان «فدراسیون جهانی شیعه خوجه اثنا عشری» در لندن و دیگر مناطق دنیا مستقرند. جماعت خوجه اثنا عشری به گونه‌ای تربیت شده که رسوخ هرگونه سیاسی در آن و از هم‌پاشیدگی درونی به حداقل رسیده است و این میسر نبوده، مگر با تقویت و تربیت منحصر به فرد اعضا توسط رؤسا و بزرگان خوجه در سرتاسر جهان و پایبندی و توجه به مسائل آموزشی و اخلاقی خانواده‌ها و دیانت و احترام بیش از حد به مراجع تقلید و آداب و رسوم قوم خود و در عین حال، روحیه انزواطلبی و بسته‌ای که برای نیل به این مهم لازم و ضروری می‌دانند.

خوجه‌های اثنا عشری در حقیقت، گروهی انشعابی و بدنه جداشده‌ای از اسماعیلیان نزاری (آقاخانیان امروزی) مستقر در هند محسوب می‌شوند. دعوت اسماعیلی نزاری در نیمه اول قرن هفتم/سیزدهم یا شاید هم زودتر به قاره هند برده شد. (دفتری، ۱۳۷۸: ۲۴۳) آقاخان محلاتی در سال ۱۸۴۰ م به هند آمد. او امامت و پیشوایی اسماعیلی را داشت و چون مردی غیور و شجاع بود، پس از دامادی فتحعلی شاه قاجار، به فکر تصرف دائمی کرمان به عنوان نشیمن‌گاهی برای جایگاه روحانیت این فرقه افتاد و پس از آنکه فهمید این کار میسر نخواهد شد به هندوستان و بمبئی گریخت. (ساعی، ۱۳۲۹: ۷۲) آقاخان توانست باورهای مردم آنجا را به سمت تعالی مشیعی اسماعیلی تغییر دهد و نماز، روزه، حج و پرداخت زکات را جزو قوانین آنان درآورد. در سال ۱۲۶۹ م ق/۱۸۳۹ م گروهی از نو اسماعیلیان خوجه در بمبئی، اقدامات آقاخان و طرف‌دارانش را نپذیرفتند و از پرداخت زکات امتناع ورزیدند. این اولین مشاجره بین طرف‌داران آقاخان در هند بود. بلافاصله پس از آن تمام جماعت رانده شده، که به «برابهای» معروف شده بودند، از عضویت فرقه محروم گشتند و آقاخان آن‌ها را سنی مذهب خواند. بعدها نیز جوان‌ترها و گروه‌های پیشرو جماعت خوجه، که شاهد امتناع هم‌کیشان خود بودند، خواهان به سازی رفتارهای آقاخان شدند و حتی ادعای الوهیت او را کفر فرض کرده، از پرداخت عشریه (دسونده) و نذورات دیگر خودداری نمودند. در اوایل قرن ۱۹ میلادی برخی از خوجه‌ها، که جزو اقلیت جماعت بودند، در همان ایام درگیری با مجموعه اکثریت (آقاخانیان) طی زیارتی در نجف اشرف، با یکی از مجتهدان و علمای بزرگ زمان، حضرت آیت الله شیخ زین العابدین مازندرانی، دیدار کردند و مهم‌ترین حادثه تاریخ خود را رقم زدند. در آن ملاقات، پس از گفت‌وگوهای بسیار، این مرجع بزرگ متوجه انحراف فکری و جهل ایشان نسبت به احکام و اصول مذهب



تشییع شد و در نهایت، بنا به درخواست خودشان، یکی از شاگردان فاضل خود به نام ملا قادر حسین را، که اصالتاً هندی بود، به عنوان مبلغ دینی به هندوستان اعزام نمود. (عرب احمدی، ۱۳۸۹: ۱۱)

شیعیان خوجه پس از تحمّل سال‌ها تحریم و سختی که بر زندگی و وضعیت معیشتی و عقاید مذهبی‌شان اثرات سو گذاشته بود و بروز مشکلاتی مانند قحطی و خشک‌سالی، تصمیم به مهاجرت به مکانی جدید گرفتند. در آن زمان، سواحل شرق آفریقا مکان مناسبی برای استقرار آنان در نظر گرفته شد و با توجه به گزارش‌های هندیان ساکن در آن منطقه، تعدادی از این شیعیان در آخرین سال‌های سده ۱۸۰۰ م به تدریج، به این سرزمین مهاجرت کردند و در جزایر زنگبار ساکن شدند. (عرب احمدی، ۱۳۷۹: ۳۷)

با توجه به شناخت مردم بومی این مناطق از مذهب تشییع (که قرن‌ها پیش توسط ایرانیان مهاجر از شیراز به آنجا صادر شده بود) و بارونق گرفتن اوضاع تجاری و بهبود وضعیت مالی، شیعیان خوجه به تأسیس مساجد، امام‌باره‌ها، مدرسه‌ها و حسینیه‌هایی در محل زندگی خود اقدام کردند تا از این راه ارزش‌های اعتقادی خود را تثبیت کنند. آنان پس از تشکیل اجتماعاتی تحت عنوان «جماعت»، به سازمان دهی‌امور خود پرداختند و با استحکام درونی این جماعت‌ها، توانستند در تمام مناطق شرق آفریقا و بعدها در سرتاسر جهان، خود را به عنوان یکی از باثبات‌ترین و مستحکم‌ترین اقلیت‌های موجود شیعی دوازده‌امامی معرفی کنند. جزیره زنگبار نیز، که یکی از مهم‌ترین مراکز ورود اسلام به شرق آفریقا محسوب می‌گردد. اولین شهرسکونت خوجه‌های اثناعشری معرفی شد. آنان در بدو ورود، این جزیره را به عنوان پایگاه اصلی و مرکز اجتماع خود در نظر گرفتند تا بعدها به عنوان دروازه‌های برای مهاجرت به سایر کشورهای شرق آفریقا شناخته شود. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸: ۱) زنگبار همچنان به عنوان مرکز اجتماع شیعیان خوجه به شمار می‌رفت تا اینکه پس از انقلاب ملی زنگبار و بعداً اتحاد با تانگانیکا و تشکیل دولت تانزانیا و بر اثر تحریکات سیاسی و فشارهای حزبی جزیره، بسیاری از شیعیان پس از تصرف اموال به دست عمّال حکومتی، مجبور به خروج از جزیره شدند و با از دست دادن منازل، مغازه‌ها و کالاهای خود، راهی جز جلائی وطن با تمام علاقه‌ها و دل‌بستگی‌هایشان نداشتند. سرزمین‌های داخلی کشور تانزانیا مانند دارالسلام، باگامایو، لیندی، آروشا، تابورا و کیگوما از جمله مناطقی بود که شیعیان خوجه اثناعشری با تحمّل سختی‌های فراوان و مبارزه با بیماری‌هایی همچون مالاریا، به آن مهاجرت کردند و به تدریج، جماعت خانه‌هایی در این شهرها احداث نمودند (همان: ۸)

### خوجه در هند

در قرن نهم طائفه ای که مُنما نامیده می‌شوند از این گروه جدا شدند. مُنما از اداء عشور تخلف می‌نمودند. بنابر ضبط محمدسعید بهمن پور نام این گروه ممنا (به تقدیم میم بر نون) می‌باشد ولی آیت الله سید مهدی روحانی نام ایشان را چنین ضبط کرده است. عبدالمنعم حفنی نام ایشان را خوجانیه ضبط کرده است. خوجه عنوان و لقبی است برای گروهی از پیروان مذهب نزاری اسماعیلی که خاستگاه اصلی آنان: هند، پاکستان و کشمیر بوده و اکنون بیشتر آنان، کریم الحسینی آقاخان چهارم را چهل و نهمین امام حاضر خود می‌دانند.



اصحاب ملل و نحل نوشته اند که پیرصدرالدین یکی از پیران بزرگ مذهب نزاری در هند، به کاست ها و لوهانه های هندو که به مذهب نزاری اسماعیلی گرویده بودند این عنوان را بخشید و آن ها را خوجه خواند و از آن پس این لقب بر پیروان این مذهب در هند، پاکستان و کشمیر اطلاق گردید. این کلمه که فارسی آن کلمه خواجه است، به معنای: آقا، سرور، خداوند و ارباب می باشد و با کلمه هندویی «Thakuv» یا «Thakkar» که آن هم به معنای ارباب و صاحب است مطابقت می کند و لوهانه ها را در هند از دیرباز به این لفظ خطاب می کردند، زیرا آن ها را از طبقه کشتریا می دانستند. لوهانه ها و خوجه ها، هنوز هم این عنوان هندویی را در میان خود به کار می برند. خاستگاه و تحولات اولیه مذهب اسماعیلی نزاری در هند، به علت نبودن مدارک و منابع قابل اعتماد و موثق، به درستی روشن نیست. به همین دلیل، منابع قابل استناد همان اطلاعات موجود درباره فعالیت های دعوت نزاری پس از دوره دعوت نزاریان الموت در ایران است که منحصرراً از روایات محفوظ مانده، میان پیروان امامان قاسم شاهی و امام شاهی است که از بدنه جماعت نزاری جدا شدند. بر اساس این روایت یکی از داعیان (پیران) نزاری به نام شمس الدین که به هندی ستگورنور نامیده شده، و نخستین پیر یا گروهی بود، برای تبلیغ کیش نزاری که در هند ستپنت پنته یعنی راه حقیقی خوانده می شود، از ایران بدان سرزمین گسیل شده بود. وی بیشتر در پاتان در منطقه گجرات فعالیت داشته است. مزار او در نوساری نزدیک سورت واقع است و سنگ گور او در کمال تعجب تاریخ ۴۸۷ هجری قمری را نشان می دهد.

برخی از منابع ستگورنور و شمس الدین را دو نفر دانسته اند و نوشته اند پس از ستگورنور دومین پیر مهم شمس الدین است که فعالیت هایش در سند متمرکز بوده است. پس از او پسر و نوه اش نصیرالدین و شهاب (یا صاحب) الدین به عنوان بیست و یکمین و بیست و دومین پیر این سلسله، دعوت خود را مخفیانه ادامه داده و پس از پیر شهاب الدین، پسرش صدرالدین جانشین او شد. پیرصدرالدین که تعداد زیادی از نوشته های مذهبی به نام گنان به او منسوب است و نقش کلیدی در تبلیغات و سازماندهی دعوت نزاری در هند داشته، همان کس است که لقب خوجه را نخستین بار به گروهی از کاست ها و لوهانه ها که دعوت وی را پذیرفته بودند داد. (محرمی، ۱۳۸۹: ۱۶۲) تاریخ تولد و زندگانی و درگذشت صدرالدین به درستی معلوم نیست و فقط نوشته اند که وی در فاصله ۷۷۰ تا ۸۱۹ هجری قمری درگذشته است. وی برای دیدن امام نزاری به ایران سفر کرده و پس از بازگشت به هند درگذشت و مزار وی نزدیکی جتپور در حومه اوچ به سمت جنوب مولتان قرار دارد. متولیان کنونی مزار وی خویشان را شیعه دوازده امامی می شمارند و از پیرصدرالدین به عنوانی حاجی صدرشاه یاد می کنند.

پس از صدرالدین، پسر بزرگ وی به نام حسن کبیرالدین به عنوان پیر جانشین پدر شد و به ایران سفر کرد و شمار زیادی از هندوها را در دوران تصدی خویش به کیش نزاری درآورد. تاریخ وفات وی به درستی روشن نیست و فاصله سالهای ۸۵۳ تا ۸۹۶ هجری قمری را نوشته اند. با مرگ کبیرالدین، جامعه نزاری هند و خوجه ها، دستخوش افتراقات داخلی گشت و سرانجام به شقاق و جدایی مهمی منجر شد. گویند با این که کبیرالدین هجده پسر داشت، امام نزاری به جهاتی برادر وی تاج الدین را به جانشینی او منصوب کرد. این انتصابات با مخالفت بعضی از پسران کبیرالدین که میان خود آنان نیز





اختلافات شدیدی وجود داشت، رو به رو شد. هنگامی که تاج الدین برای دیدار و تحویل عشریه نزاریان هند به امام نزاری به ایران رفت و بازگشت، برادرزادگانش او را متهم ساختند که بخشی از دیون مذهبی را حیف و میل کرده است. گویند که وی از این تهمت غصه دق مرگ شد یا خویشتن را کشت.

پس از وی، امام الدین عبدالرحمن بن حسن، معروف به امام شاه یکی از پسران کبیرالدین که نام فرقه امام شاهی از نام او گرفته شده، بیهوده تلاش کرد تا بر مسند رهبری خوجه های نزاری در سند تکیه زند. او برای گرفتن منصب پیری، به ایران نزد امام نزاری رفت ولی امام به او این مقام را نداد و او دست خالی به هند بازگشت و در گجرات اقامت کرد و تا آخر عمر در آنجا به سر برد. امام شاه بر اساس برخی روایات از جامعه نزاری بریده و خود فرقه امام شاهی را پدید آورد. از این رو خوجه های نزاری وی را پیر نمی دانند و او را فقط سید می خوانند. وی در ۹۱۹ هجری قمری در پیرانه، شهرکی که خود او در نزدیکی احمدآباد ساخته بود، درگذشت و مزارش در همان جاست. او در عین حال به امامان نزاری ایران وفادار بود، ولی امامان نزاری پس از واقعه تاج الدین دیگر به هیچ یک از داعیان خود در هند لقب پیر ندادند زیرا از سلسله پیران هند که داعیه استقلال داشتند، بسیار ناراضی بودند و از آن پس نمایندگی از میان خوجه ها به نام وکیل یا باوا (بابا) انتخاب می کردند که مهم ترین وظیفه شان گردآوری دیون و عشیره های مذهبی از خوجه ها و ارسال آن به ایران برای امامان بود.

پس از امام شاه، فرزند وی نرمحمد یا نورمحمد در گجرات جانشین او گردید، ولی از دعوت نزاری و جامعه خوجه ها خود را جدا ساخت و فرقه ای جداگانه به نام امام شاهی تأسیس کرد و خود دعوت امامت نمود و حتی پدرش را نیز امام دانست و از پیروانش خواست تا به جای فرستادن دیون مذهبی و عشریه برای امام نزاری در ایران، این وجوه را به او تحویل دهند. اکثریت پیروان نرمحمد در گجرات از او جانبداری کردند ولی شخصی به نام کهتا که مُکی (رئیس) هجده هزار هندوی نزاری شده، دعوت وی را رد کرد و بقیه نزاریان گجرات نیز به دعوت امام نزاری در ایران وفادار ماندند. نرمحمد در ۹۴۰ هجری قمری درگذشت و در مقبره پدرش در پیرانه به خاک سپرده شد. امام شاهیان بعدها هرگونه ارتباطی با اسماعیلیه را انکار کردند، هرچند که سلسله امامان اسماعیلی را تا اسلام شاه سی امین امام نزاری قاسم شاهی بود، همچنان قبول داشتند. از این پس جامعه خوجه های نزاری اسماعیلی هند، مستقیماً زیر نظر امامان نزاری بودند. (حنفی، ۱۳۷۸: ۳۵۲)

امامان خوجه های نزاری هند، پس از دوره الموت و در اواخر قرن نهم قمری / پانزدهم میلادی در انجدان سکونت کردند. انجدان یا انجدان در پای یک سلسله کوه کم ارتفاع در ۳۷ کیلومتری شرق اراک و در حدود همین مسافت از مغرب محلات در ایران مرکزی قرار دارد و یکی از روستاهای مهم ناحیه مشکاباد در دشت حاصل خیز فراهان بوده است. دوره انجدان در حقیقت دوره تجدد حیات دعوت و فعالیت های نزاریان ایران به شمار می رود. بی شک سی و دومین امام قاسم شاهیان یعنی علی شاه، معروف به المستنصر بالله دوم، نخستین امام نزاری است که به طور قطع و یقین با انجدان ارتباط دارد. این محل تا اواخر قرن یازدهم قمری مقر امامان قاسم شاهی باقی ماند یعنی دو قرن و در بخش مهمی از سلطنت صفویان در ایران در پایان این قرن امامان قاسم شاهی موفق شدند بیعت بیشتر نزاریان را به دست آورند.



خلیل الله دوم، سی و نهمین امام این سلسله، در ۱۰۹۰ هجری قمری وفات یافت و پسرش شاه نزار دوم جانشین او شد. شاه نزار دوم به دلایل نامعلومی مقرر امامان نزاریان را به کهک انتقال داد. جانشین شاه نزار سیدعلی نام داشت. پس از سید علی، چهل و دومین امام این سلسله یعنی سید حسن علی که به سید حسن بیگ نیز معروف است جانشین او شد. در اواخر سلطنت نادرشاه بود که امام حسن علی مقرر امامت را به شهربابک در ۱۸۰ کیلومتری جنوب غربی شهر کرمان منتقل ساخت. انگیزه اصلی این انتقال گویا توجه امام به امنیت زائران نزاری و خوجه های هندی بوده است که به ایران می آمده اند تا وجوهات خویش را به امام خود برسانند و در این راه بیشتر مواقع گرفتار راهزنان می شدند و یا قبایل بختیاری آن ها را غارت می کردند و می کشتند و یا این که در مسیر طولانی خود گرفتار اخاذی مأموران دولتی می گشتند. امام حسن علی موقعیت بسیار خوبی به دست آورد و روابط بسیار مناسبی با حکومت افشاریان داشت. پس از امام حسن، چهل و سومین امام این سلسله، قاسم علی شاه معروف به سید جعفر جانشین پدر شد.

بعد از وی پسر او ابوالحسن علی شاه معروف به سید ابوالحسن کهکی، چهل و چهارمین امام نزاری به امامت رسید. او در دوره حکومت زندیه والی کرمان شد و نقش فعالی در صحنه سیاسی آن ایالت در آن دوره پرآشوب که سلسله زندیه، جای خویش را به سلسله قاجاریه می داد بازی کرد. وی در ۱۲۰۶ هجری قمری درگذشت و در مقبره مشتاق علی شاه نعمت الله ولی در مسجد کرمان به خاک سپرده شد و پسر ارشد وی خلیل الله علی معروف به شاه خلیل الله سوم، بر مسند امامت اسماعیلیان نزاری قاسم شاهی به عنوان چهل و پنجمین امام نزاری خوجه ها تکیه زد. وی پس از رسیدن به امامت در همان سال مرگ پدرش، مقرر امامت را از کرمان بار دیگر به کهک منتقل ساخت و در آنجا مدت بیست سال باقی ماند و با دختر محمدصادق محلاتی بی-بی سرکاره ازدواج کرد که نتیجه آن ازدواج، امام بعدی یعنی آقاخان اول شد. محمدصادق محلاتی سیدی نزاری و شاید برادر امام ابوالحسن از صوفیه نعمت اللهیه بوده که نام صوفیانه اش صدق علی شاه بوده است. این ارتباط ها به خوبی نشان می دهد که میان سلسله امامان نزاری و طریقه صوفیه نعمت اللهیه روابط خوبی وجود داشته است و بعدها نیز ادامه یافته است.

در ۱۲۳۰ هجری قمری، شاه خلیل الله به یزد نقل مکان کرد. شاید انگیزه او در این نقل مکان، بیشتر نزدیک شدن به پیروان خوجه خود در هند بوده است. اما در ۱۲۳۲ هجری قمری، شاه خلیل الله قربانی یک توطئه گردید و کشته شد و چون روابط خوبی با فتحعلی شاه قاجار داشت و می گویند شاه قاجار مخفیانه به کیش اسماعیلی نزاری درآمده بود که معلوم نیست صحت داشته باشد، شاه قاجار مسبب قتل وی را به تهران فراخواند تا آن ها را تنبیه کند ولی آن ها را نکشت. شاه خلیل الله آخرین امام قاسم شاهی بود که تمام ۲۵ ساله امامت خود را در ایران بسر برد. پس از کشته شدن شاه خلیل الله، پسر ارشد وی محمد حسن که او نیز معروف به حسن علی شاه بود به عنوان چهل و ششمین امام نزاری، به جای وی نشست و شاه قاجار فتحعلی شاه یکی از دختران خود به نام سروجهان را به همسری وی درآورد و حکومت قم را نیز به او بخشید و به او لقب افتخاری آقاخان داد و از این زمان به بعد حسن علی شاه به نام آقاخان محلاتی معروف گردید و این عنوان به صورت موروثی در میان اعقاب وی تا به امروز باقی ماند.



آقاخان اول تا مرگ فتحعلی شاه در ۱۲۵۰ هجری قمری زندگی آسوده و آرامی داشت و از احترام زیادی در دربار ایران برخوردار بود و برای خود یک نیروی نظامی تشکیل داده بود. پس از به سلطنت رسیدن محمد شاه قاجار، به صلاح‌دید صدراعظم ایران قائم مقام فراهانی، آقاخان اول در ۱۲۵۱ هجری قمری به حکومت کرمان منصوب شد. آقاخان اول در زمان حکومت کرمان، زندگی پرآشوبی داشت و بالاخره برکنار شد و از طریق افغانستان رهسپار هند گردید. این پایان دوره امامت اسماعیلیان نزاری در ایران بود و دیگر نتوانستند در ایران برای خود جای پای باز کنند. آقاخان در افغانستان و در شهر قندهار با فرماندهان انگلیسی که آن کشور را در اشغال داشتند ملاقات کرد و از آن پس همکاری پیروان آقاخان با دولت بریتانیا آغاز شد که بعدها در دوره امامان بعدی نیز این همکاری ادامه یافت و آقاخان اول به این همکاری و زندگی‌نامه خود اشاره کرده است. در نتیجه استقرار آقاخان محلاتی در بمبئی دوره جدیدی در تاریخ اسماعیلیه نزاری گشوده شد و مقر امامت نزاری، پس از هفتصدسال از ایران به هند منتقل شد و حضور وی در آنجا مایه شادمانی فوق العاده خوجه های نزاری شد و با او تجدید بیعت کردند.

خوجه‌ها که مدت چند قرن مهم‌ترین بخش جماعت‌های نزاری را تشکیل می‌دادند، حال با پشت سر گذاشتن بسیاری از مشکلات ارتباطی با امام خود که از آن‌ها دور بود، دیگر مجبور نبودند آن راه طولانی و پرخطر را طی کنند و به زیارت امام خود بروند. آقاخان اول سالهای آخر عمرش را در آرامش در بمبئی گذراند و پس از ۶۴ سال امامت پر حادثه در جمادی الاول ۱۲۹۸ هجری قمری چشم از جهان فرو بست و او را در مزار برافراشته خاص در حسن آباد در ناحیه مزگان بمبئی به خاک سپردند و پس از او پسر بزرگش آقاعلی شاه که تنها پسرش از سروجهان خانم بود به عنوان چهل و هفتمین امام نزاری جانشین وی شد و به نام آقاخان دوم نامبردار شد. دوران امامت وی کوتاه بود و پس از چهارسال امامت در ذیقعد ۱۳۰۲ هجری قمری روی در نقاب خاک کشید و جنازه‌اش بعدها در نجف اشرف و در مقبره خانوادگی‌اش به خاک سپرده شد.

پس از آقاخان دوم، یگانه پسر باقی مانده‌اش، سلطان محمدشاه حسین مشهور به آقاخان سوم به عنوان چهل و هشتمین امام نزاری قاسم شاهی در ۱۳۰۲ هجری قمری در بمبئی بر مسند امامت نشست. او خدمات فراوانی به خوجه‌ها و نزاریان کرد و برای آنان وسائل آموزش و رفاه اقتصادی فراوانی مهیا کرد. وی در ۱۸۹۸ میلادی برای نخستین بار به اروپا سفر کرد و پس از آن اروپا اقامتگاه عمده وی شد و در انگلستان با ملکه ویکتوریا ملاقات کرد و ادوارد هفتم را که بعداً از دوستان او شد دیدار کرد و روابط خوبی با آنان برقرار ساخت. او در طی امامت طولانی خود مقدار زیادی از وقت و منابع مالی خود را صرف تحکیم و تشکیل جامعه نزاری در هند و شرق آفریقا که اکنون با مهاجرت خوجه‌ها یکی از اماکن استقرار خوجه‌های نزاری بود، کرد.

محمدشاه آقاخان سوم در ذی حجه ۱۳۷۶ هجری قمری دیده فرو بست و پس از هفتاد و دو سال امامت و رهبری، در مقبره دائمی خود در اسوان مشرف بر رود نیل در مصر، مقرّ خلفای فاطمی به خاک سپرده شد. به موجب وصیتی که آقاخان در سال ۱۹۵۵ میلادی کرده بود، نوه وی کریم آقاخان به عنوان چهل و نهمین امام حاضر نزاری قاسم شاهی با



لقب آقاخان چهارم جانشین او در امامت شد. آمار دقیقی از تعداد خوجه ها اکنون در دست نیست چون جمعیت آن‌ها چنانکه گفته شد، در سرزمین‌های زیاد و کشورهای متعددی که به قول برخی از مسئولان مؤسسه مطالعات اسلامی اسماعیلی در لندن به ۲۵ کشور می‌رسد، سکونت دارند و تمرکز یافته‌اند، اما بیش‌ترین حجم سکونت خوجه ها در شبه قاره و افغانستان می‌باشد و به گفته خود ایشان تعداد خوجه ها و نزاریان در جهان حدود ۱۵ میلیون نفر است. آماری که در ۱۹۲۱ میلادی در چند منطقه از شبه قاره ارائه شده، به این شرح است: بمبئی: ۵۸۶۲۸ نفر، پنجاب: ۸۷۴۸۱ نفر، کشمیر ۴۲۴۱ نفر، و بخش زیر سلطه انگلیس هند: ۱۴۶۱۰۹ نفر. (بهمن پور، ۱۳۸۶: ۱۲۶)

پیروان نزاری از همان آغاز که به تبلیغ دعوت نزاری در هند پرداختند به معتقدات دینی جوامع هندی که می‌بایست به کیش نزاری درآیند توجه خاصی مبذول داشتند. پیرهای نزاری بت پرستی را منع می‌کردند و محکوم می‌ساختند ولی اسطوره‌های هندو را برای توضیح و تبیین بعضی از جنبه‌های تعالیمی خود به کار می‌بردند، به ویژه اعتقاد امامت را به صورتی که نزاریان بعد از دور قیامت بدان معتقد بودند، در یک چارچوب هندویی مطرح می‌ساختند. در کیش هندوان اعتقاد به چهار یوگ یا چهار عهد با طول‌های مختلف یا یک مه‌ایوگ است. که اشاره به چهار دوره کیهانی است که در طی آن عالم به طور ادواری خلق و معدوم می‌شود و گنان‌ها نیز همین را بیان می‌کنند. آخرین عهد یا یوگ، عهد یا دور حاضر است که عهد زشتی و تاریکی است و هندوها در انتظار ظهور دهمین مظهر بودند تا با زشتی‌ها و تاریکی‌ها بجنگد و خوجه‌ها و نزاریان اکنون به جای شخصیت مورد قبول هندوها که کالکی نامیده می‌شود و مظهر یا اوتاره دهم ویشنو است، علی بن ابی طالب علیه السلام را امام اول قرار می‌دادند و به این ترتیب امام علی (ع) انتظارات معادی گروندگان هندو را که به کیش نزاری درآمده بودند با جنگیدن علیه نیروهای اهریمنی یوگای کالی یا عهد واپسین برآورده می‌ساخت. گذشته از این اعتقاد بر آن بود که همه امامان بعد از علی (ع) که نزاریان قبول داشتند با شخص وی در مقام و قدرت برابرند.

بنابراین همه امامان نزاری و تک تک آن‌ها دهمین مظهر ویشنو بر روی زمین بودند. چنین تصویر و تبیینی برای هندوهای که به کیش نزاری در آمدند قابل فهم بود. قرآن واپسین ودا یا کتاب مقدس بود که معنای حقیقی یا تأویل آن را فقط پیران نزاری می‌دانستند و گنان‌ها نقش مذهبی پیر یا گوروی نزاری را که وظیفه‌اش راهنمایی مؤمنان در رسیدن به معرفت امام و دین واقعی بود اعتلا می‌بخشید. از زمان روی کار آمدن سلسله امامان آقاخانیه در میان نزاریان و خوجه‌ها، به ویژه در دوره امامت آقاخان سوم که امامان بسیار طولانی داشت، اصلاحات اجتماعی و اقتصادی و حتی اعتقادی در میان پیروان کیش نزاری و خوجه‌ها پدید آمده است. (دایره المعارف شیعی، ۱۳۶۰، ج ۷: ۳۲۰) آقاخان سوم یک نظام اداری پیچیده‌ای از شوراها طراحی کرد که ابتدا در شبه قاره هند و سپس شرق آفریقا و دیگر اماکن محل سکونت نزاریان و خوجه‌ها به اجرا گذاشته شد و برای مسائل مختلف این فرقه، قوانین اساسی مختلفی تدوین گردید که گهگاه مورد تجدیدنظر قرارگرفت و با نیازهای زمانی و پیشرفت جوامع تطبیق داده می‌شد. در تمام این قانون‌های اساسی مدار اصلی و محور این کیش، شخص



آقاخان است که به عنوان پیشوای مذهبی و اداری جامعه شناخته و مورد قبول قرار گرفته است و او تنها کسی است که می‌تواند در این قانون تجدیدنظر کند. ب

ر اساس آخرین قانون اساسی که آقاخان چهارم در ربیع الاول ۱۴۰۷ هجری قمری مورد تجدیدنظر قرار گرفت و به نام قانون اساسی مسلمانان اسماعیلی شیعی امامی منتشر شد و در دسامبر ۱۹۸۷ میلادی به مورد اجرا گذاشته شد، بر همه معتقدات بنیادی اسلامی تأکید شد و عقیده امامت به صورتی که اسماعیلیان نزاری به آن اعتقاد دارند، بار دیگر به عنوان کانون و نقطه مرکزی این قانون عمومی شناخته شده است و تعلیم امام را که راهنمای پیروان او در مسیر اشراق معنوی و زندگی مهذب مادی است، مورد تأکید قرار گرفته است.

خوجه ها و نزاریان هند ادبیات خاص خود را دارند که گنان خوانده می‌شود و در آن سنن خوجه های نزاری و امام شاهی، انعکاس یافته است. واژه گنان در حقیقت صورت عامیانه شده جنانه است که در اصل لغتی سانسکریت است و به طور کلی به معنای علم مراقبه و تفکر است. گنان ها را بیشتر پیران خوجه های نزاری که فعالیت آنان در شبه قاره هند از قرن هفتم قمری (سیزدهم میلادی) آغاز شده، نوشته‌اند. تعداد این گنان ها اکنون بیش از هشتصد تصنیف مختلف با طول‌های متفاوت است. در اصل گنان ها فقط به صورت شفاهی روایت و نقل می‌شد، اما با گذشت زمان دست کم از نیمه اول قرن اول دهم قمری (شانزدهم میلادی) شروع به گردآوری و به کتابت درآوردن آن ها گردید. مضمون گنان ها، بیشتر تعالیم دینی و اخلاقی و مشتمل بر اشعار عارفانه و تواریخ افسانه ای پیران مختلف است. گروه زیادی از خوجه های شبه قاره هم وجود دارند که شیعه اثنی عشری هستند و در بمبئی مقبره ای به نام آوامباغ بنا نهاد و روابط خود را با سایر خوجه های بمبئی حفظ کرده‌اند و جماعت‌هایی از این خوجه ها در اروپا نیز وجود دارند که به مذهب اثنی عشری هستند و ارتباط مستقیمی با مجامع شیعی ایران و عراق دارند.

محمدسعید بهمن پور درباره علت جدایی خوجه از آقاخانیه به وابستگی شدید آقاخان سوم به انگلیس اشاره کرده و می‌نویسد: «آقاخان مخالف استقلال هند بود و در طول سال‌های مقاومت و تحریم کالاهای انگلیسی، پیروان خود را به مسالمت و وفاداری به حکومت انگلیس ترغیب می‌کرد. او شیفته نژاد سفید بود و دوست داشت به عنوان عضوی از این نژاد پذیرفته شود. وی اعلام کرده بود که هدف او آن است که مردم هند را به سطح نژاد انگلوساکسون برساند و این تنها در صورتی ممکن بود که آنان از ذهن سالم، جسم سالم و روحیه سالم برخوردار می‌شدند. حتی تأکیدات مکرر او به امر آموزش و تعلیم، به خاطر غربی کردن جامعه اسماعیلی بود. در یک سخنرانی اعلام کرد که «آموزش، آموزش، آموزش... باید با آموزش دریای بیشمار هندیان تعلیم داده شوند که نگهبان و پشتیبان تاج و تخت (پادشاه انگلستان) اند، به همان اندازه که شهروندان سفید امپراطوری هستند. دفاع مطلق و تسلیم محض او به سیاست‌های دولت انگلیس در هند را بارها پیروان خود او نیز مورد انتقاد قرار دادند تا آنجا که حدود یکصد هزار خوجه اسماعیلی در اعتراض به این که او بلندگوی دولت جبار و کینه توز انگلیس شده است، مذهب خود را ترک کردند و به مذهب اثنی عشریه گرویدند. این گروه که به جامعه شیعیان خوجه شهرت دارند هم اکنون در اروپا و آمریکا و آفریقای شرقی یکی از متشکل‌ترین گروه‌های اثنی

عشریه را تشکیل می‌دهند و امور مذهبی آنان را سازمان انتخابی فدراسیون جهانی جامعه خوچه اداره می‌کند. اینان در حال حاضر از مقلدین آیت الله سیستانی هستند. (بهمن پور، ۱۳۸۶: ۳۵۵)

### وضعیت اجتماعی

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های اجتماعی در جوامع مختلف خوچه اثنی عشری، خانواده و جایگاه والای آن است. خوچه‌ها خانواده را نهادی مقدس در نظر می‌گیرند که نقش مهمی در رشد و تربیت نسل آینده ایفا می‌کند. آنان تأکید دین اسلام بر حفظ حرمت و قداست خانواده، مبنی بر احترام به والدین، رعایت انصاف و عدالت بین فرزندان، رابطه مناسب و مبتنی بر اخلاق اسلامی بین زن و شوهر و اعضای خانواده، لزوم احترام به کهن سالان، حفظ عفت و نجابت حریم خانواده و... را به مثابه اصولی خدشه‌ناپذیر در نظر می‌گیرند و بقای خود را در حفظ حرمت و اصالت خانواده می‌دانند. (عرب احمدی، ۱۳۷۹: ۱۰۴) خانواده در جماعات خوچه اثنی عشری، افزون بر زن و مرد و فرزندان، دربرگیرنده پدر و مادر نیز می‌باشد و احترام به کهن سالان به عنوان اصلی مهم به فرزندان آموزش داده می‌شود. (Salvadori, 1989: 250) معمولاً پدران در خانواده‌های خوچه اثنی عشری ستون اصلی را تشکیل می‌دهند و نقش مهمی در تربیت فرزندان برعهده دارند. پدران و مادران، همچنین فرزندان خود را از سنین خردسالی به مساجد و حسینیه‌ها می‌برند و به‌ویژه می‌کوشند در ایام محرم و رمضان، و مراسم و مناسبت‌های اسلامی، این کودکان را با آیین‌های مذهبی خود که در مساجد و حسینیه‌ها انجام می‌شود، آشنا کنند؛ همچنین با آشنا ساختن آنان با مقررات اسلامی و اصول تشیع، راه و رسم زندگی در جامعه را نیز به آن‌ها بیاموزند. (عرب احمدی، ۱۳۷۹: ۱۰۴) کودکان و نوجوانان خوچه اثنی عشری از این طریق به تدریج برخی مقررات اجتماعی نانوشته حاکم بر این جامعه، همچون لزوم حفظ سنت‌های اجدادی خود، عدم اختلاط با دیگر اقوام و گروه‌های قومی و اجتماعی، و لزوم یک‌پارچه نگهداشتن جامعه کوچک خود را نیز فرا می‌گیرند.

از دیگر شاخصه‌های اجتماعی جوامع خوچه اثنی عشری، نظم‌پذیری و پیروی از مقررات هر جماعت است. آنان معتقدند حفظ و بقای جماعات خوچه، مستلزم پایبندی به قوانین وضع شده توسط فدراسیون جهانی و فدراسیون‌های منطقه‌ای است و آن‌ها از این طریق می‌توانند اهداف خود را عملی سازند. افزون بر آن، انزواطلبی و عدم اختلاط با دیگر گروه‌های قومی، از دیگر قوانین حاکم بر کلیه جماعات خوچه اثنی عشری است و آنان در کشورهای مختلف، تا حد امکان از ایجاد هرگونه رابطه‌ای با بومیان آن کشور خودداری کرده، مناسبات و ارتباطات خود را با دیگر گروه‌های قومی، در محیط کار خلاصه می‌کنند. ازدواج با دیگر اقوام (حتی شیعیان ایرانی و لبنانی) بسیار به ندرت صورت می‌گیرد و گاه دیده شده است فردی که همسری غیر خوچه اثنی عشری را برگزیده، به تدریج از جماعت خود طرد شده است. (عرب احمدی، ۱۳۸۹: ۲۸)

از دیگر خصلت‌های اجتماعی شیعیان خوچه اثنی عشری روحیه اطاعت‌پذیری (تقریباً مطلق) از دستورها و فرامین فدراسیون جهانی و فدراسیون‌های منطقه‌ای است. همه اعضای جماعات خوچه، ملزم به پذیرش دستورها و بخشنامه‌های فدراسیون جهانی‌اند و این دستورها را گاه از فتاوی مراجع تقلید خود و تعالیم اسلامی نیز ارجح می‌شمارند.



(عرب‌احمدی، ۱۳۷۹: ۱۲۰) تلاش برای حفظ انسجام داخلی خویش از طریق تأسیس جماعات و تحکیم آن، از دیگر خصوصیات اجتماعی خوجه‌های اثنی عشری است. از این رو، آنان پس از ورود به هر کشوری، هرچند با جمعیتی اندک، به سرعت جماعتی تشکیل می‌دهند و با جمع‌آوری پول و کمک‌های نقدی از دیگر جماعات و فدراسیون جهانی، به احداث مسجد، امام‌باره و مدرسه‌ای اسلامی در جنب مسجد اقدام می‌کنند.

از دیگر اصول اجتماعی خوجه‌های اثنی عشری، حفظ اتحاد آن‌ها در برابر دیگر مسلمانان، اعم از شیعیان و اهل سنت است. در واقع، هرچند آن‌ها در درون اختلافاتی دارند، ولی همواره به صورت پیکری واحد عمل کرده و اجازه نداده‌اند مخالفان در درون آنان نفوذ کنند و در تشکیلات و سازمان‌دهی جماعات خوجه‌های منطقه یا کشوری خاص خللی پدید آورند. (ملجی، ۱۳۷۳: ۲) در مجموع، می‌توان گفت شیعیان خوجه اثنی عشری با وجود جمعیت بسیار کم، از نقطه نظر اجتماعی و اصول و قوانین خود، تأثیر قابل توجهی بر دیگر پیروان اهل بیت در سراسر جهان برجای گذاشته‌اند. این امر که نشئت گرفته از سه عامل نظم، اتحاد و سازمان‌دهی مناسب است، موجب شده که آن‌ها طی چند دهه اخیر به پیشرفت‌های چشمگیری دست یابند و به‌عنوان یکی از اقلیت‌های شاخص دینی در جهان اسلام جلوه‌گر شوند.

### آداب و رسوم خوجه‌ها

پس از سقوط دولت الموت، امام نزاری در پرده‌ی ستر و غیبت ادامه‌ی حیات داد و در نقاط مختلف به صورت مستقل زیر نظر داعی یا پسر یا شیخ خود به موجودیت خویش ادامه دادند. (دفتری، ۱۳۷۸: ۵۴۲) نزاریان پس از دوره الموت به سه مرحله تقسیم می‌شوند:

مرحله اول تا دو قرن پس از سقوط الموت که طی آن نزاریان ایران تلاش بی‌حاصلی برای به دست گرفتن الموت کردند. در این مدت آن‌ها برای حفظ جان خود از عنوان (صوفی) استفاده می‌کردند. در این مدت انشقاق محمد شاهی و قاسم شاهی در جامعه نزاری رخ داد. محمد شاهی‌ها در اوایل قرن دهم به هند مهاجرت کردند و به مرور از حمایت نزاریان نسبت به آن‌ها کاسته شد و در اوایل قرن سیزدهم خط امامت آنان قطع گردید. (صابری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۴۲) امامان قاسم شاهی که در مرکز ایران مستقر بودند (انجلمان) به مرور از حمایت اکثریت نزاریان برخوردار شدند و نزاریان وارد مرحله‌ی دوم تاریخ خود کردند.

مرحله‌ی دوم حدود دو قرن به طول انجامید امامان قاسم شاهی کوشیدند بر دیگر نزاریان در سوریه و هند و آسیای مرکزی سلطه یابند. با ظهور صفویان در ایران، آن‌ها توانستند امور دعوت را آزادانه تر دنبال کنند و در زمان زندیه و قاجاریه که ابتدا به کمک و بعد به کرمان منتقل شدند از لحاظ سیاسی اهمیتی کسب کردند. مرحله‌ی سوم از نیمه‌ی دوم قرن سیزدهم آغاز می‌شود. در این مرحله مقر امامت از ایران به هند منتقل گردید. امامان نزاری که به آقاخان شهرت یافته بودند در تحکیم موقعیت خود در در جامعه‌ی نزاری به ویژه در هند و سواحل شرق آفریقا کوشیدند.

در دروه‌ی ستر جدید، قاسم شاهی‌ها در هند فعالیت گسترده‌ای داشتند. در قرن هشتم هجری، پیر صدرالدین، جمعیت زیادی از هندوهای کاست (لوهانا) را به مذهب اسماعیلی برگرداند و آنان را خوجه نامید که همان لفظ خواجه ایرانی

است. (بهمن پور، ۱۳۸۶: ۱۲۶) مشهور است که وی اولین جماعت خانه‌ی نزاری را در سند، سپس در پنجاب و کشمیر دایر کرد.

جامعه‌ی خوجه تحت رهبری رهبران محلی که (پیر) خوانده می‌شدند و از طرف امام نزاری در ایران منصوب می‌گردیدند، به مرور رشد کردند و به صورت پایگاه اصلی فرقه‌ی نزاری درآمد. در واقع نزاریان پس از الموت، بیش‌ترین توفیقات خود را در هندوستان کسب نمودند. (دفتری، ۱۳۷۸: ۴۷۹) اصول عقاید خوجه‌ها آنان به علت تأثیر پذیری از فرهنگ هندویی، دچار التقاط بیشتری نسبت به بهره‌ها شده‌اند. خوجه‌ها در اصول و اعتقادات و انجام اعمال عبادی تفاوت‌هایی با شیعیان دوازده امامی دارند. در مورد قرآن به ضرورت مطالعه‌ی آن برای همه‌ی پیروان قائل نیستند و مطالعه‌ی سخنان آقاخان‌ها را لازم تر می‌دانند.

خوجه‌ها، محبت به علی (ع) را اصل ایمان می‌دانند، نماز را تحت عنوان دعا در اوقات متفاوتی از سایر مسلمین به جا می‌آورند و حتی محتوای آن نیز متفاوت است. (شیخ عطار، ۱۳۸۱: ۲۳۱) اولین اصل اعتقادی خوجه‌ها، امامت است نه توحید. برای خوجه‌ها، امام، خداست. چون امامانی که در پی یکدیگر آمدند همه نور الهی را از علی (ع) گرفته‌اند، هر یک تا امام حاضر، تجسیدی از همان ذات الهی بوده‌اند. (هولیستر، ۱۳۷۳: ۴۲۳) برای خوجه‌ها، (الله) همان ویشنو است که مجرد، متعالی و غیر قابل درک است. خوجه‌ها فقط چهارتن از پیامبران را قبول دارند: موسی (ع)، داود (ع)، مسیح (ع) و محمد. (ص)

فرائض دینی خوجه‌ها عبارت‌اند از:

۱. ولایت: محبت اهل بیت پیامبر

۲. نماز: خوجه‌ها مسجد ندارند و محل عبادت آن‌ها (جماعت خانه) نامیده می‌شود. (شیخ عطار، ۱۳۸۱: ۲۳۰)

خوجه‌ها سه وقت برای دعا کردن دارند:

الف. صبح‌جوجی دعا وقت این دعا پس از نیمه شب و معمولاً بین ساعت چهار و پنج بامداد است.

ب. سانجی جی (سانانجو) دعا (نماز مغرب) که در اول شب و یا بعد از غروب آفتاب خوانده می‌شود.

ج. سومنجی دعا (نماز عشا) که پیش از خواب شبانه خوانده می‌شود.

۳. روزه: خوجه‌ها فقط روز بیست و یکم رمضان روزه می‌گیرند و آن هم از شب بیستم و از زمانی که بستر می‌روند تا ظهر

بیست و یکم. با این همه، تمام ماه رمضان از نظر آن‌ها مقدس است، خاصه شب‌های نوزدهم تا بیست و سوم.

علاوه بر آن، خوجه‌ها روز (سامبا) نیز روزه می‌گیرند. هرگاه روز اول ماه، جمعه باشد، جمعه‌ی بعد، سامبا نامیده می‌شود

و روزه‌ی آن مراعات می‌گردد. (بهمن پور، ۱۳۸۶: ۳۵۰)

۴. حج: بر اساس تأویلات اسماعیلیان، حج به معنای زیارت امام است و خوجه‌ها این معنی را قبول دارند. برای خوجه

ها، زیارت آقاخان حکم حج را دارد، آن‌ها حج بیت الله را واجب نمی‌دانند. خوجه‌ها تقریباً، هرگز به زیارت مکه و مدینه

نمی‌روند، چون قبله را قبول ندارند.





۵. زکات: خوجه ها بیش از هر تکلیف شرعی دیگر در مورد زکات تأکید دارند.

اندکی از این وجوه به مصرف صدقات و بیشتر آن به امام می‌رسد. کسانی که زکات خود را می‌پردازند، امیدوارند در این دنیا کامیاب و در سرای دیگر، آمرزیده شوند. (هولیستر، ۱۳۷۳: ۴۴)

۶. جهاد: خوجه‌ها آن را جنگ با نفس اماره تأویل کرده‌اند.

۷. معاد: مانند پیروان آیین هندو، معاد مطرح شده در شرایع آسمانی را منکرند ولی پاداش و کیفر اعمال را پذیرفته و آن را از طریق تناسخ توجیه می‌کنند و در این دنیا می‌دانند.

در زمینه‌ی احکام، به نظر می‌آید خوجه‌ها مانند دیگر اسماعیلیان کتاب (دعائم الاسلام) قاضی نعمان را اصلی‌ترین کتاب اعتقادی، مذهبی و فقهی خود بدانند اما این گونه نیست، زیرا آن‌ها چنان در بند احکام آیین هندو افتادند که بیشتر احکام و مراسم مذهبی خود را بر اساس احکام هندوها تنظیم می‌کنند و هیچ کدام از احکام اسلامی را قبول ندارند. آن‌ها عید قربان و فطر را جشن نمی‌گیرند و مخالف برپایی مراسم عزاداری دهی محرم هستند، زیرا معتقدند، ارواح علی (ع)، حسن (ع) و حسین (ع) در وجود امام حاضر حلول کرده است. (هولیستر، ۱۳۷۳: ۴۵)

خوجه‌ها برای رسیدن به مقامات سیاسی و فعالیت در عرصه‌ی سیاسی به اندازه‌ی بهره‌ها دید منفی ندارند و به بسیاری از مقامات سیاسی و نظامی رسیدند. مهم‌ترین ایشان محمد علی جناح، بنیان‌گذار پاکستان است. (شیخ عطار، ۱۳۸۱: ۲۳۲) آن‌ها در ازدواج و احکام شرعی پای بند قواعد هندو هستند. غالباً مرده‌های خود را در کربلا و نجف به خاک می‌سپردند، ولی اکنون که امام آن‌ها در هند به سر می‌برد، این رسم دیگر چندان معمول نیست. (هولیستر، ۱۳۷۳: ۴۵۸)

### شاخصه‌های رفتاری و آیینی خوجه‌ها سنت‌گرایی

شیعیان خوجه اثناعشری، که اصالتاً اهل گجرات هندوستان هستند، دارای برخی ویژگی‌ها و خصوصیات اخلاقی و رفتاری اند که کمتر در گروه‌های همسان آن‌ها دیده می‌شود. آنان افرادی متدین و متعهد هستند و حیات معنوی خود را در انسجام اجتماعی و رشد و تلاش در عرصه‌ی اقتصادی دنبال می‌کنند. شیعیان خوجه اثناعشری با توجه به اصالت هندی خود و با وجود تلاش برای تثبیت هویت دینی و مذهبی‌شان، هنوز بسیاری از آداب و رسوم هندویی را حفظ کرده‌اند. این موضوع رامی‌توان از برگزاری مراسم، جشن‌ها، نوع لباس و در مجموع، در تمام رفتارشان به خوبی ملاحظه کرد. بسیار سنتی فکر می‌کنند و تلاش زیادی به خرج می‌دهند که کودکان خود را با این نوع فکر تربیت کنند، هرچند جوانان و کودکان تحصیل‌کرده چندان تمایلی به این سنت‌گرایی ندارند؛ اما سخت‌گیری پدران در خصوص پذیرش سنت‌های هندویسم و تأثیر آن بر برخی رفتارهای اسلامی کودکانشان، آنان را درهاله‌ای از نارضایتی نگه داشته است. تبلور این سنت‌گرایی را می‌توان در مراسم ازدواج آن‌ها به وضوح مشاهده کرد.

نامه‌ی حسین کریم، رئیس مدرسه، به رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران حضرت آیه‌ی العظمی خامنه‌ای (دام‌ظله):

خوراک شیعیان خوجه بسیار سنتی و کاملاً هندی است. غذاهای تندوتیز سرخ‌شده با سس‌های متنوع، همراه با شیرینی‌ها و شربت‌های گوناگون، که از مشخصه‌های هندوستان است، غذای معمول شیعیان خوجه تانزانیا است. مردان خوجه به



لحاظ پوشش هم بسیار سنتی عمل می‌کنند و گاهی در محل کار و حتی منازل، لباس‌های ملی مذهبی خود را به تن می‌کنند. رنگ‌آمیزی متنوع لباس‌ها همراه با طلادوزی‌های گران‌قیمت بسیار مورد توجه شیعیان خوجه شرق آفریقا، بخصوص تانزانیا است. البته دشداده‌های عربی عثمانی هم، که به نوعی هویت مذهبی‌آنان را بر می‌انگیزد، مورد توجه بزرگ‌ترهاست. شیعیان خوجه تانزانیا علاقه فراوانی به صحبت کردن به زبان گجراتی و اردو دارند و این زبان را مهم‌ترین شاخصه فرهنگی ملی خود می‌دانند. این زبان بسیار مورد توجه بزرگان و مسن‌ترهاست و این علاقه در تمام سخنرانی‌ها و مراسم به وضوح دیده می‌شود و معتقدند: سینه به سینه باید به نسل‌های بعد منتقل شود. البته جوانان و تحصیل‌کردگان جوان چندان علاقه‌ای به زبان مادری خود ندارند و انگلیسی را بر گجراتی ترجیح می‌دهند.

### دین‌مداری

یکی از مهم‌ترین و شاید اصلی‌ترین شاخصه‌های شیعیان خوجه اثناعشری تانزانیا و حتی سراسر جهان پای‌بندی به دین و قوانین شرعی است. آنان به فرایض دینی خود و دستورات ائمه اطهار (ع) بسیار متعصبانه عمل می‌کنند و حیات معنوی خود را درگرو پای‌بندی به دین می‌دانند و این موضوع را از دوران کودکی به فرزندان خود می‌آموزند.

### اهتمام به علم

خوجه‌های اثناعشری سراسر دنیا و بخصوص، تانزانیا (به عنوان اولین هسته مرکزی تجمع ایشان در دنیا) از لحاظ سطح فرهنگی علمی و نوع معیشت، از با فرهنگ‌ترین شیعیان جهان به شمار می‌روند. علاقه شدید آنان به مطالعه روزنامه‌ها، مجلات گوناگون و کتاب و نیز تأکید زیاد والدین به آموزش‌های علمی کودکان از سنین ابتدایی و هزینه‌های هنگفتی که برای تحصیل فرزندان خود در دانشگاه‌های معتبر اروپا و آمریکا صرف می‌کنند، همه بیانگر این موضوع است. مدارس آموزشی، که در تانزانیا وجود دارد، نمونه بارز علاقه ایشان به امر تحصیل فرزندان است. آموزشکده «المنتظر»، مجتمع‌های ولی عصر (ع) و «خاتم الانبیاء صلی الله علیه و اله» آروشا از بهترین مدارس کشور تانزانیا به شمار می‌آیند که از لحاظ علمی، جزو برترین‌های این کشورند. سیلابس‌های آموزشی، متون و محتوای علمی و دینی مدارس، وجود کتاب‌خانه‌های شخصی و عمومی، کارگاه‌ها و اردوهای آموزشی به سراسر دنیا، دعوت از علما و بزرگان علمی و فرهنگی برای حضور در تانزانیا، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ، که از مهم‌ترین فعالیت‌های جماعت دار السلام است، همه بیانگر اهمیت آموزش و تربیت فرزندان در میان شیعیان خوجه اثناعشری دار السلام است.

### عزاداری سنتی

ماه محرم در شرق آفریقا، بخصوص تانزانیا و زنگبار، توسط شیعیان خوجه اثناعشری و بومی منطقه با جدیت خاصی دنبال می‌شود. این مراسم همه ساله با آغاز ساله جری قمری، در دار السلام به شکل کاملاً شیعی با این برنامه‌ها برگزار می‌شود: مراسم زیارت عاشورا (صبح‌ها و عصرها) در تمام مساجد و حسینیه‌ها؛ مراسم خاص نوحه‌خوانی و سینه‌زنی؛ برگزاری جلسات سخنرانی مذهبی؛ اطعام عزاداران و به ویژه فقرا (موسوم به «نیاز»); تعطیلی کسب‌وکار در ایام تاسوعا،



عاشورا و اربعین حسینی؛ برپایی نمایشگاه‌های نمادین از صحنه کربلا و تاریخ صدر اسلام؛ دعوت از مبلغان مشهور و خطیبان برجسته عالم تشیع برای سخنرانی؛ برپایی مراسم روضه‌خوانی. این موضوع تقریباً در طول سال ادامه دارد و همواره یکی از بزرگان دینی و علمی جهان اسلام به دار السلام دعوت می‌شود. توسط زنان شیعی؛ سیاه‌پوش کردن اماکن مقدّس و منازل شخصی؛ برپایی دسته‌های عزاداری در خیابان‌های اصلی شهر؛ ایجاد مکان‌هایی مانند تعزیه‌خانه، ماتم‌سرا و امام‌بارگاه. شیعیان خوجه اثناعشری علاوه بر برنامه‌های معمول این ماه، طی چند سال اخیر، تلاش گسترده‌ای برای علمی کردن فرهنگ عاشورا به کار گرفته‌اند. برگزاری همایش‌های علمی (یوم الحسین علیه السلام، خمینی دی، غدیر تا کربلا) و ده‌ها همایش و سخنرانی دیگر، نیز دعوت از بزرگان و علمای برجسته در این زمینه، همه نشان از علاقه و عشق وافر ایشان به امام حسین (ع) و نوع نگاه علمی‌شان به حادثه عظیم عاشورا دارد. (رنجبر شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۶)

### تشکیلات و سازمان‌های خوجه اثناعشری

الف. فدراسیون جهانی لندن

مهم‌ترین مقام و نهاد هماهنگ کننده جماعت‌های شیعیان خوجه اثناعشری و فدراسیون‌های منطقه‌ای، فدراسیون جهانی است. این فدراسیون در لندن و در مرکز منطقه مسلمان‌نشین «استان مور» واقع است. پس از اینکه جماعت‌های گوناگون و فدراسیون‌های منطقه‌ای مانند فدراسیون آفریقا، فدراسیون اروپا و فدراسیون آمریکا تأسیس شد، شیعیان خوجه اثناعشری بر آن شدند نهادی را تأسیس کنند که وظیفه رهبری و سازمان‌دهی تمام جماعت‌ها و فدراسیون‌ها را بر عهده بگیرد. اعضا و هیأت رئیسه این فدراسیون هر سه سال یکباراز میان تمام نامزدها، طی یک انتخاب عمومی برگزیده می‌شوند و به صورت کاملاً مستقل از هر نهاد دولتی و سیاسی جهان، مسئولیت نظارت بر تمام امور و فعالیت‌های فدراسیون‌های منطقه‌ای و جماعت‌های خوجه اثناعشری سراسر جهان را با اهداف کلی (ارتقای سطح مالی اعضا، تقویت مذهب شیعه اثناعشری، افزایش سطح علمی اعضا و توسعه اجتماعی در قالب کمک به محرومان) بر عهده دارد. در حال حاضر، فدراسیون جهانی دارای ۳۰ جماعت عضو در جهان و ۴ فدراسیون منطقه‌ای، و جمعیتی قریب ۵۰۰ هزار نفر است. (عرب احمدی، ۱۳۷۹: ۵۷)

ب. فدراسیون منطقه‌ای آفریقا

در ۲۶ می ۱۹۴۶ م با تدوین و تصویب قانون اساسی دائم شیعیان خوجه اثناعشری، «فدراسیون شیعه جماعت آفریقا» رسماً با اهداف اولیه ذیل آغاز به کار کرد:

۱. ارتقای سطح آموزشی، اجتماعی و مذهبی جامعه خوجه اثناعشری کشورهای شرق آفریقا
  ۲. ایجاد همکاری و تعامل بین اعضا (جماعت‌های کشورهای شرق آفریقا) در جهت تشویق و گسترش روحیه التزام و احترام متقابل بر طبق موازین شرع مقدّس و با در نظر گرفتن خصوصیات مذهبی و نژادی. (عرب احمدی، ۱۳۷۹: ۵۷)
- اکنون جمعیتی بالغ بر ۱۰ ۱۲ هزار شیعه خوجه اثناعشری در کشور تانزانیا زندگی می‌کنند و حیات خویش را در سایه فعالیت جماعات ادامه می‌دهند.

## سازمان بلال مسلم میشن

شیعیان خوجه اثناعشری پس از استقرار و انسجام جامعه کوچک خود در تانزانیا، مؤسسات خیریه و عام المنفعه زیادی در این کشور تأسیس کرده و اقدامات ارزنده‌ای برای حمایت و تحت پوشش قرار دادن مسلمانان و شیعیان بی بضاعت و کم درآمد منطقه انجام داده‌اند. این مؤسسات طی چند دهه گذشته، با هدف معرفی و ترویج مذهب اهل بیت (ع) تحت نظارت نهادهای گوناگون شیعی، از جمله فدراسیون جهانی خوجه، فدراسیون منطقه‌ای آفریقا، جماعت دار السلام و برخی شیعیان خیر تأسیس شده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، سازمان تبلیغی «بلال مسلم میشن» تانزانیا است. در اوایل دهه ۱۹۶۰ م با ورود علامه سید سعید اختر رضوی، روحانی توانمند و عالم شیعی، به تانزانیا و طرح ابلاغ مذهب تشیع در بین بومیان آفریقایی و با تأکیدهای آیه الله سید محسن حکیم قدس سره مبنی بر دعوت سیاهان آفریقا به مذهب اهل بیت (ع)، طرح آزمایشی آن به تصویب جماعت خوجه دار السلام رسید. سرانجام، باتلاش‌های بی‌وقفه مرحوم رضوی و تنی چند از بزرگان شیعی، که بعدها اعضای اولیه سازمان بلال مسلم میشن با توجه به نام «بلال»، مؤذن سیاه‌پوست رسول اکرم (ص)، این نام را برای خدمت به سیاهان آفریقا برگزیده است و بنیان‌گذاران آن شدند مانند حاج احمد حسین شریف دوجی، حاج علی محمد جعفر شریف، حاج فدا حسین عبد الله حمیر و حاج حسین ناصر والجبی این سازمان در سال ۱۹۶۸ تأسیس گردید و در دولت تانزانیا به ثبت رسمی رسید. (عرب احمدی، ۱۳۷۹: ۱۱۰) این سازمان بجز بدنه اصلی آن، که در منطقه «تمه‌که» دار السلام واقع است، شعبانی در شهرهای تانزانیا و برخی کشورها مانند زئیر، موریس، اوگاندا و کنیا دارد.

### مرکز اهل بیت (ع) وابسته به مؤسسه بلال مسلم میشن

این مرکز متعلق به شیعیان خوجه اثناعشری و سازمان مستقل بلال مسلم میهن‌تانزانیا و دارای بخش‌ها و شعبات متعددی همچون حوزه علمیه خواهران و برادارنموسوم به «اهل بیت علیهم السلام للعلوم الاسلامی»، دانشکده تربیت معلم، فرهنگستان آموزش پسران و دختران و بیت السکن «الغدیر» در دار السلام است.

۳۰ سال گذشته، صدها طلبه، معلم و مبلغ دینی از شیعیان مستعد آفریقایی الاصل تربیت کرده که نه فقط در تانزانیا، بلکه در دیگر کشورها مانند زیمباوه، کنیا، اوگاندا و موزامبیک مشغول فعالیت‌اند. بخش عظیمی از هزینه‌های «بلال مسلم میشن» را خوجه‌های اثناعشری شورای عالی شیعیان خوجه تأمین می‌کند و بقیه از تبرعات و صدقات افراد متدین جمع‌آوری می‌شود. مدیریت سازمان «بلال مسلم میشن» دوره‌ای و چرخشی است و اکنون بر عهده آقای شبیر والجبی، یکی از شیعیان خوجه اثناعشری مقیم دار السلام و قائم مقام ایشان شیخ مصطفی است. این سازمان بیشتر توان خود را در تبلیغ و آموزش مبلغ دینی صرف می‌کند و تاکنون تعداد قابل توجهی از بومیان سیاه‌پوست را به مذهب تشیع دعوت کرده است. یکی از نکات قابل تأمل درباره این سازمان، اختلاف نظرهایی است که درباره چگونگی مدیریت و امور تبلیغ در بین بومیان و صرف هزینه‌ها باجماعت خوجه اثناعشری دار السلام دارد. هرچند «بلال مسلم میشن» سازمانی مستقل است که توسط همین شیعیان خوجه تأسیس شده، اما با توجه به رویکرد بومی خود، چندان با روحیات صنفی جماعت



خوجه همگام نیست و این مسئله اختلافات زیادی را در راه تبلیغ دین ایجاد نموده و بسیاری از اهداف مشترک آنان را تحت الشعاع خود قرار داده است.

### نتیجه گیری

خوجه‌ها نام طایفه ای از مسلمین هند هستند که در پنجاب، سند و به صورت پراکنده در جاهای دیگر زندگی می‌کنند. گویا اولین فردی که نام خوجه را به این طایفه داده، یکی از داعیان نزاری در حدود قرن هشتم است. خوجه از کلمه فارسی خواجه به معنای ارباب گرفته شده است. این افراد غالباً به تجارت مشغول‌اند و دارای آداب و رسوم هندی هستند. اکثر خوجه‌ها، نزاری بوده و عده ای نیز شیعه اثنی عشری یا سنی هستند که غالباً از نزاری به کیش‌های دیگر درآمده‌اند. خوجه‌های پنجاب رهبر اولیه خود را سید صدرالدین دانسته که در قرن هشتم به میان آن‌ها آمده و مفاهیم اسماعیلی نزاری را در قالب مفاهیم هندی به آنان عرضه نمود. عده ای از خوجه‌های هند به آفریقا، بالاخص زنگبار و سواحل شرقی آفریقا مهاجرت کرده و کیش نزاری را در آنجا تبلیغ کرده‌اند. خوجه‌های بمبئی با آقاخان در تماس بوده، ولی آداب و رسومشان شبیه هندیان است.

فرقه اسماعیلیه از جمله فرق بزرگ تشیع است که در تاریخ اسلام رقم خورده است. این فرقه دارای انشعابات است که در دوران مختلف دستخوش تغییراتی شده است. خوجه‌ها که در دوران نخستین شکل‌گیری اسماعیلیه پیرو تشیع هفت امامی (نزاری) بودند ولی بعد از قرن هفتم هجری کم‌کم گرایش اثنی عشری یافتند و در در بسیاری از کشورهای جهان، به ویژه در آفریقای شرقی و تانزانیا، زندگی می‌کنند که اصالتاً هندی الاصل و اهل ایالت گجرات و منطقه کچ هندوستان را داشتند. این فرقه پیرو راه علی بن ابی طالب بودند و از آیین ائمه اثنی عشری ابراز وجود کردند. از سوی دیگر این فرقه در هند و در قرون معاصر به اثنی عشری و طبق دعوتی که یکی مبلغین آیت الله شیخ زین العابدین مازندرانی صورت گرفت جنبه انحرافی آنان تقریباً برطرف شد. خوجه‌های اثنی عشری به دینداری و علوم اسلامی توجه داشتند و تلاش خود را برای حفظ آن بسیار به کار بستند. خوجه‌های اثناعشری در پنج قاره جهان حضور دارند و در هر کشوری جماعات و تشکیلاتی مستقل دارند، فدراسیون جهانی جماعات شیعه خوجه اثناعشری مهم‌ترین تشکیلات آنان است که جماعات و فدراسیون‌های منطقه‌ای زیر نظر آن فعالیت می‌کنند. سازمان بلال مسلم میشن، وپپاز و فدراسیون جماعات شیعه خوجه اثناعشری آفریقا، از مهم‌ترین تشکیلات متعلق به شیعیان شرق آفریقا است. دبیرخانه فدراسیون جهانی شیعیان خوجه در لندن مستقر است.

### منابع

- احمد، عزیز (۱۳۶۶). تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه‌ی نقی لطفی و محمد جعفر یاحقی، تهران، کیهان.  
 محرمی، غلامحسین (۱۳۸۹). آشنایی با فرقه تشیع، قم، مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم.  
 بهمن پور، محمد سعید (۱۳۸۶). اسماعیلیه از گذشته تا حال، تهران، فرهنگ مکتوب.

پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ (۱۳۵۴). اسلام در ایران، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران، پیام.

تارم، میثم (۱۳۸۱). تاریخ و عقاید اسماعیلیه آقاخانیه، کرمان، مرکز کرمان شناسی.

جمعی از نویسندگان (۱۳۶۰). دائرة المعارف تشیع، انتشارات حکمت، تهران.

حفنی، عبدالمنعم (۱۳۷۸). موسوعة الفرق و الجماعات و المذاهب و الاحزاب و الحركات الاسلامية، قم، نشر ادیان و مذاهب.

تانزانیا (۱۳۸۸). دوره جدید مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، کتاب سبز تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

دفتری، فرهاد (۱۳۷۸). مختصری در تاریخ اسماعیلیه (سنت‌های یک جماعت مسلمان)، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران، نشر و پژوهش فرزاد.

رنجبر شیرازی، مصطفی (۱۳۸۸). راهبردهای منطقه‌ای روابط فرهنگی ایران و تانزانیا، دار السلام، ۱۳۸۸

روغنی زهرا (۱۳۸۷). شیعیان خوجه در آئینه تاریخ، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۸۷

ساعی، محسن (۱۳۲۹). آقاخانیه محلاتی و فرقه اسماعیلیه، رشت، روزنامه نسیم شمال، ۱۳۲۹

شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۱). دین و سیاست: مورد هند، تهران، مرکز چاپ و انتشارات صحیفه و وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

صابری، حسین (۱۳۸۳). تاریخ فرق اسلامی (۲)، تهران، سمت.

عرب احمدی، امیر بهرام (۱۳۷۹). شیعیان تانزانیا دیروز و امروز، تهران، الهدی.

عرب احمدی، امیر بهرام (۱۳۸۹). "شیعیان خوجه اثنی عشری در گستره جهان"، قم: موسسه شیعه شناسی.

فرمانیان، مهدی (۱۳۸۶). درسنامه تاریخ و عقاید اسماعیلیه، قم، نشر ادیان، ۱۳۸۶

هاجسن، مارشال، گ. س (۱۳۴۳). فرقه‌ی اسماعیلیه، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۳

هدائی، علیرضا (۱۳۷۳). مراسم عزاداری شیعیان خوجه اثنی عشری تانزانیا در ده. محرم، گزارش ارسالی از رایزنی فرهنگی ج.آ.ایران، دارالسلام.

هولیستر، جان نورمن (۱۳۷۳). تشیع در هند، ترجمه آذرمدخت مشایخ فریدنی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

منابع انگلیسی

Jaffer, Asghar Ali (1989). **An outline history of khoja Shia ithna asheri in eastern Africa**, (publisher unknown), London.

Rizvi, s.s.a (1994). **some evidence of Shiite connection with early history of east-Africa**, Bilal muslim mission, Dar es salaam.

Engineer, asghar Ali (1990). **The Muslim communities of Gujarat**, South asia books.

**Federation samachar**, June 2002 volume. 29, No 3.

**Federation samachar**, March 2006, Volume.29, No 3.

Rizvi, s.s.a and noel king (1974). **The khoja shia ithna asheri community in east Africa**, Haytfort seminary foundation, Dar es Salaam.,

Salvadori, Cynthia (1989). **Through open door**, Nairobi, Kenway publications.

